چرا آینده روشن است؟!

■ حسن رضایی

بگذارید بدون مقدمه فرض کنیم کارگردانی شرمگین نیستند که همین اکنون به تاریخ کات بدهد! با بیایید فرض کنیم کسی از فراسوی تاریخ ۲۵ ساله بنگرد و ما را در کنار نوح(ع)، فرعون، موسی(ع)، جالوت، داوود(ع)، اسکندر، نمارد، ناپلئون، کورش، چرچیل، همسر و همه، براند از خود. مقصد و مقصود تاریخ اما کجاست؟ و نقش این ۲۰ ساله در این مسیر، چقدر سیاه یا درخشنده بوده است؟ در چنین زمینه این دو سوال مهم، عملاً اجماع نظری وجود ندارد. سال پیش بسیار باستانی و کهن است؛ گروهی همچون هیتلر، استالین تصویر می‌کنند و گروهی دیگر همچون فردنسدن، خود را خدا دیده‌اند! وارثان پسر نوح، از ابتدای عصر روشنگری تا همین حالا، میلیاردها کاتب، فیلم، تئاتر و محصول فرهنگی مدار پیوند خوردن زمین و آسمان را تجربه کرده‌اند.

خلق مکاتب فکری متعدد در کنار سامان دادن جنگ‌های بی‌سابقه در تاریخ بشر، بخشی دیگر از تلاش انسان‌های برپده از آسمان در این قطع بوده است. جنگ‌هایی که آنها را به عنوان مولود محرک اصلی پیشرفت‌های فرانسیس فوکویاما تا همین دیروز می‌ستایند مکتب «لیبرالیسم»، خط پایان یا همان بهشت زمینی‌اش است که غربیان از عصر روشنگری تاکنون سه دنبال آن بوده‌اند. حالا ما با بحران مشروعیت مواجه شده‌ایم و با بحران هویت. حالا نه تنها دیگر خیابانوران از دینداری خود شرمگین نیستند که هرگز هم منجر به اقدامی عملیاتی نشده – در سال‌های ۹۴ تا ۹۶ خودش را نشان داد و ۹۷ سالی است که می‌توان گفت ماه عسل برجام تمام شده و وعده‌های برجامی شروع نشد. برداشت از زد نسل به ۲۰ درصد کسر. چنانکه طبق اظهارنظر رئیس کل بانک مرکزی طرف چند روز ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اوراق سپرده‌گذاری ریالی فروخته شد و تعهدی جدید بر دوش بانک‌ها برای پرداخت سود بیشتر به سپرده‌گذاران ایجاد کرد. موضوعی که بر اساس آن بانک‌ها باید کفاف بانک‌ها در سال آینده به واسطه این طرح با افزایش هزینه‌های قطعی خود برای پرداخت مابه‌التفاوت سود ۲۰ درصدی نسبت به سپرده‌های ۱۵ درصدی خود مواجه شوند و حل و رفع بدتری خواهند داشت.

■ **۴- افزایش قاچاق کالا و ضربه به تولید ملی:** بر اساس آموزه‌های علم اقتصاد وقتی نرخ ارز (پول خارجی) در کشوری افزایش پیدا کند به واسطه کاهش ارزش پول ملی در آن کشور و افزایش قیمت تمام شده کالاهای وارداتی، صادرات رونق گرفته و واردات کاهش می‌یابد. اما این موضوع که یک طرف ماجراست و طرف دیگر افزایش قاچاق کالا در تعیین ترازِ تجاری این کشورها نقشی ندارد. ولی بسرای اقتصادی مانند ایران که حدود نیمی از واردات قانونی کشور از طریق قاچاق کالا تامین می‌شود این فرمول صادق نیست. با افزایش نرخ ارز و افزایش تعرفه‌های گمرکی تحت عنوان افزایش درآمدهای گمرکی تحت تاثیر قرار می‌گیرد و افزایش قیمت تمام شده و تولید ملی هم با ۹۷ سال رونق بازار قاچاقچیان خواهد بود. شواهد نشان از افزایش میزان قاچاق به کشور به دلیل حاشیه سود بیشتر آن در سال ۹۷ دارد.

■ **با این وضعیت چه باید کرد؟!**

اقتصاد مقاومتی: یک‌سال از فرمان تاریخی رهبر حکیم انقلاب در حرم مطهر رضوی مبنی بر شعار کلی اقتصاد مقاومتی گذشته است. شعار کلی که مشابه تفاسیر عینی از آنچه را باید تغییر کند به روشنی و با زبانی گویا به همه ما منتقل می‌کند کشاورزان مسائل و مشکلات خود را بشناسند. گام اول برای کاهش آسیب‌های اقتصادی سال ۹۷ مبارزه جدی با گریز و فرار سرمایه‌ها از بازار دلار است. اما مسافرت مقوله تاثیرگذار دیگری در این زمینه است که متاسفانه نسبت به فرهنگسازی برای حمایت از تولید داخلی مغفول مانده است. مسافرت را در اقتصاد بیشتر می‌توان به شرح «خدمات» ارزیابی کرد. در بخش خدمات هم تفاوتی با تولید کالا نیست. هزاران نفر به عنوان نیروی خدمات‌رسان به توریست‌ها در شهرهای مختلف مشغول کارند. آنها هم مانند تولیدکنندگان اجناس ایرانی نیاز به حمایت ما دارند. منظور این نیست که به جای تورهای خارجی به صرفه، بلیت‌های گرانقیمت داخلی را انتخاب کنیم، خیر!

وقتی بستر در یک زمینه حمل‌ونقل فراهم نیست می‌توان راه‌های ارزان‌قیمتی را امتحان کرد. مثل مسافرت با وسایل نقلیه شخصی! این اقلیت یا این هزینه بالا روشن است، اینان طبقه‌ای هستند که هویت خود را با عکس‌های پروفایل‌شان کنار برج ایفل یا بزرگ ساعت لندن تعریف می‌کنند.

اما طبق همین آمار «نزدیک به ۷۰ درصد» مردم مبلغی «زیر یک میلیون تومان» برای سفر نوروزی هزینه می‌کنند. پرواضح است که بخش قابل‌توجهی از این ۷۰ درصد مقصدی جز شمال کشور برای سفر خود انتخاب نمی‌کنند. در صورتی که در کنار حفظ خوشبینی و امیدواری به آینده، راه خطر را بر حادثه ببندند و با بازگشت به مبانی عدالت‌طلبانه و آرمانخواهانه انقلاب، دادگاهی سرزرگ برای نخبگان سیاسی فربه و ناکارآمد موجود برپا کنند. منفعت همه مردم ایسران- با تاکید فراوان- در شکستن انحصار نخبگان ناکارآمد است.

آینده ایران روشن و امیدوارکننده است. اگر نخبگان بی‌مصرف، شعله‌های فربه و قورباغه‌های رنگ شده به جای قنادی کنونی، از جمع خادمان ملت مرخص شوند. زن‌های خوب، اپکیوهای بالا، پیر و پاتال‌های فسیل، مقدس‌نمایان بی‌شعور، برادران سرمایه‌دار پارهای از مسئولان و... باید برای ممکن شدن گفت‌وگو درباره تغییرات معطوف به بهبود در آینده، از جمع مصدر امور طرد شوند. این تغییر اولیه، اساسی و ضروری، برای ملت شیرین و امیدوارکننده و صد البته برای شعله‌های موصوف فلج و درد‌ناک خواهد بود. پس زنده‌باد مردم ایران و پاینده‌باد ایران اسلامی.

آیا ضرورت تغییر را احساس نکرده‌ایم؟!

■ امیراسدی

این آخرین شماره «وطن‌امروز» در سال ۹۶ است همه‌چیز در این روزهای آخر باید با آمار به پایان برسد و با این مضمون که هرچند به قول بسیاری آگاهان و تحلیلگران این روزها، روزهای هم‌افزایی و به هم گره خوردن بحران‌های گوناگون است اما باز این به نفع همه است که جهان را به گونه‌ای ببینیم که می‌توانیم شرایط بهتری را برای‌مان رقم بزند اما این امید است که از آن سخن می‌گوییم. آینده هر چقدر هم به «امروز» سخت و پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی شبک یک برای کسانی که به خداوند و لطف و مهربانی و گره‌گشایی او ایمان دارند، روشن و شیرین خواهد بود؛ آنگونه که مرحوم علی صفایی‌حائری بدرستی می‌گوید: «همه ناتوان‌ها و محدودیت‌هایی که انسان و امکانات و استعدادهای ذره‌ای بر او احساس می‌شود از اختیار و سنجش و ترکیب به او عطا کرده است، حقیر و کوچک خواهند بود. فقط باید ضرورت تغییر را احساس کنیم و با گریز از کلیشه‌های ارادی‌سود و عافیت‌طلبانه رفتار را برای خود و آیندگان هموار کنیم». من در مقابل چشمان خود کسانی را دیده‌ام که از ضعف و ناتوانی به قدرت و توانایی رسیدند. این مثل و آنچه این روزها در ورزنه و شرق اصفهان می‌گذرد و عدم اطمینان و تشنی که در مردم بزد ایجاد کرده است، نمونه‌ای از همه آن چیزی است که در سایر نقاط کشور به اشکال گوناگون اتفاق افتاده است. مثال‌ها بیش از حد لازم فراوانند؛ کسانی که حقوق‌های نجومی می‌گیرند و از رانت‌های بانکی برخوردارند و شبورخانه‌های مدعیان و طلبکارانی امنی نیز هستند. اینها همه آنهایی هستند که موضوع اصلی تغییر مدنظر اینان یادداشتند به بیان ساده‌تر ما نیازمند تغییرات زیادی هستیم اما آنچه برای شروع این تغییرات است همین از همه اساسی‌تر است همین تغییر ابتدایی و اساسی در ساختار مشروعیت‌بخشی به نخبگان سیاسی کنونی کشور است؛ ساختاری سیاسی که بر پایه روابط دوستانه و زنتیکی. در این جریده بارها و بارها هم توسط نگارنده این سطور و هم دیگر دوستان به کرات و از زوایای مختلف به این مساله اشاره شده و نسبت به این مهم بارها و بارها تذکر داده شده است که این جمع محدود، باز تمام نارسایی‌ها، بی‌عرضگی‌ها و ناتوانی‌های خود را بر دوش نظام برآمده از انقلاب اسلامی سوار می‌کنند و خود به عنوان اثرناتیو وضع موجود هم از توبره می‌خورند و هم از آخور. اگر به وضعیت شرق اصفهان و یزد بازگردیم به وضوح متوجه می‌شویم عامل این عدم تعادل بسیار خطرناک و توجه‌ناپذیر و با هر میزان سنجشی، ناعادلانه، هم‌اکنون و با تبلیغات و پروپاگاندای بزرگی که در اطرافش هفته‌سیون روی دکه‌ها چاپی می‌شود حس بهار را دارند، با این توصیف که «اصفهان همواره پیشران و محتمل‌ترین اثرناتیو از توکه‌ای به جهوری اسلامی و محتمل‌ترین اثرناتیو از توکه‌ای می‌بینند. اگر امروز مردم بشدت مضطرب و معتقد به روزه به جایی رسیده‌اند که چنین حرکتی در تریبون نماز جمعه بکنند- که قطعاً گم کردن توسوخ و دعاست- عامل اصلی آن همان عدم تعادل و بی‌عدالتی در تخصیص آبی است که به دست مدعیان مدعیان انجام شده است.

بحث ما در اینجا فقط داستان آب و ورزنه و شرق اصفهان نیست؛ این مثال روشنی است از سوار شدن بار ناکارآمدی و حماقت نخبگانی مدعیه، بر دوش نظام برآمده از انقلاب اسلامی.

برای همه علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی و همه آنهایی که برای سفره‌ها و خیابان‌های خود دغدغه دارند، مسائلی مانند آب و ورزنه و اصفهان را فقط در شمال کشور تمرکز یافته است و تمام زیبایی‌های چهارگوشه کشور پشت درب خزر پنهان می‌ماند. برای همین است که به عنوان مثال شما اگر یک عکس از آبشار بیشه در استان لرستان یا دامنه‌های بکر زاگرس مانند کوه‌های دهید می‌رسند این زیبایی متعلق به کدام کشور است؟!

طبق آماری که بنازگی منتشر شده است حدود ۷۰ درصد» مردم ایران «بیش از ۴ میلیون تومان» برای سفر نوروزی خود هزینه می‌کنند. تکلیف این اقلیت یا این هزینه بالا روشن است، اینان طبقه‌ای هستند که هویت خود را با عکس‌های پروفایل‌شان کنار برج ایفل یا بزرگ ساعت لندن تعریف می‌کنند.

اما طبق همین آمار «نزدیک به ۷۰ درصد» مردم مبلغی «زیر یک میلیون تومان» برای سفر نوروزی هزینه می‌کنند. پرواضح است که بخش قابل‌توجهی از این ۷۰ درصد مقصدی جز شمال کشور برای سفر خود انتخاب نمی‌کنند. در صورتی که ایران کشوری است که در جای جای آن زیبایی‌های طبیعت ما می‌توان دید اما کمتر دیده می‌شود. متاسفانه کشور دچار روزگار دوشگری به صورت تمرکز در شمال شده است.

اکثر تورهای داخلی خلاصه می‌شوند در چند شهر شناخته شده همچون اصفهان و شیراز، کمتر دیده می‌شود یا بهتر است بگویم اصلا نمی‌بینیم تورهایی به مناطق گردشگری جز این ۳-۲ شهر شناخته شده اختصاص داده شود، در نتیجه برای عامه مردم به صورت مکان‌های ناشناخته ماندهاند؛ مکان‌هایی همچون طبیعت زیبای کلیبر تبریز، منظره زیبای سد زاینده رود در این شرایط اقتصادی و آبی که انگار قرار نیست هیچ‌گاه از طرف مسئولان گرم شود، خودمان به فکر خودمان باشیم! با جلوگیری از خارج شدن دلار بیشتری از کشور، با رونق بخشیدن به گردشگری داخلی.

در آخر سبک نکته را بسرای اینکه برداشت اشتباهی از متن نشود عنوان می‌کنم؛ سفر به طبیعت زیبای کردستان، غذاهای محلی جنوب کشور و چشم‌انداز خیلج‌فارس، عمارت و قلعه تاریخی قزوین، ارگ تاریخی بم، باغ شازده کرمان، طاق‌بستان و کتیبه بیستون کرمانشاه، عشایر کهگیلویه‌وبویراحمد و هزاران هزار مکان دیدنی که در ایسن متن نمی‌گنجد یا اصلا نگارنده هم به آنها واقف نیست. همه اینها نشان می‌دهد تعطیلات و مسافرت صرفا برای شمال رفتن یا صف بستن پشت مرز کشور همسایه نیست. این اعتقاد را در خودمسان پسرورش دهیم که به‌جای رفتن به سفرهای خارجی آن هم با قسرض از این طرف و آن طرف بسا هدف اینکه در عکس‌های پروفایل جذاب‌تسر از بقیه عقب نمانیم، مناظر دیدنی ایران خودمان را کشف کنیم و به بقیه هم معرفی کنیم. در این شرایط اقتصادی و آبی که انگار قرار نیست هیچ‌گاه از طرف مسئولان گرم شود، خودمان به فکر خودمان باشیم! با جلوگیری از خارج شدن دلار بیشتری از کشور، با رونق بخشیدن به گردشگری داخلی.

سال سخت اقتصاد

■ میثم‌مهرپور

قرار در هفته‌های گذشته و به واسطه نوسانات نرخ ارز، سپرده‌های مردم از بانک‌ها خارج شده و به بسیاری از افراد با ثبت رکوردهای نو در اقتصاد مجبور به ارائه پیشنهاد برای تغییر در